

چیزهایی که از جام جهانی فهمیدیم

یک روزی، یک جایی، یک وقتی از کسی که نمی‌دانیم نامش چه بود و اصلاً پیشه‌اش چه، شنیدیم یا احیاناً خواندیم که اگر رویا بیش از اندازه طولانی شود به کابوس بیشتر شباهت پیدا می‌کند. حالا هم که کارتیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی تمام شد و جایی در میان ۱۶ تیم صعودکننده پیدا نکرد آیا باید بگوییم رویای صعود تمام شد؟ نخیر، در واقع کابوس صعود تمام شد. فوتبال ایران دیگر رویا و کابوس نمی‌خواهد. این تیم شایسته بود، می‌توانست برای نخستین بار در تاریخ فوتبال ایران به مرحله یک شانزدهم نهایی برسد اما نشد. صعود این بار می‌توانست راحت‌تر از هر زمانی باشد. با آن برد شایسته مقابل ولز و آن بازی درخشان چرا نتوانستیم آمریکا را ببریم؟ پاسخ به این پرسش دغدغه نیست. اکنون باید به این سوالات پاسخ بدهیم که چه چیزهایی از جام جهانی یاد گرفتیم؟

دفاع نکن، حمله کن: جام جهانی جای دفاعی بازی کردن نیست. نسخه‌های کی‌روش برای فوتبال ایران دیگر تمام شد. امیدواریم نفر بعدی یا حتی خودش دیگر این نسخه را نیچند. آنچه در جام جهانی دیدیم سندی بود بر ابطال اندیشه دفاعی در فوتبال. این اندیشه مضر است و هر تیمی را در طولانی مدت از پا می‌اندازد. با دفاع کردن نه می‌توان قهرمان شد، نه حماسه‌آفرینی کرد و نه به یک شانزدهم نهایی جام جهانی رسید. تیم ایران نشان داد اگر بخواهد، تیمی سراسر هجومی می‌شود که هر بیننده‌ای از تماشای آن لذت می‌برد.

۲ گل زدن به غول‌ها: ۲ گل به انگلیس زدیم، تیمی که نه آمریکا به آن گل زد و نه ولز. همسایه کوچک انگلیس یعنی ولز را هم با ۲ گل بردیم. این ۴ گل نشان می‌دهد توان فوتبال ایران به حدی بالا رفته که می‌تواند فراتر از آسیا گل بزند و ببرد. تیمی که خوب گل می‌زند باید اندیشه‌های بزرگ‌تر هم داشته باشد. دور زمانی بود که گل زدن به تیم‌هایی مثل آلمان، برزیل، پرتغال یا اسپانیا آرزو بود. اکنون می‌دانیم راه دروازه تیم‌های بزرگ را پیدا کرده‌ایم.

۳ ستاره نداریم: تیم ملی فوتبال ایران ستاره ندارد حتی اگر مهدی طارمی ۲ گل به انگلیس زده باشد. ایران در دیدار با ولز به معنای واقعی یک تیم واقعی بود و نشان داد در صورت کار تیمی می‌تواند زیباترین بازی‌ها را به نمایش بگذارد. این تیم اگر مقابل آمریکا هم مانند دیدار با ولز عمل می‌کرد، اکنون جایی در یک شانزدهم داشتیم؛ یعنی رویای بزرگ فوتبال ایرانی.

۴ پایان کارلوس: این راهم از جام جهانی فهمیدیم در واقع از پایان کار تیم ملی فوتبال ایران در رقابت‌های جام جهانی قطر. فوتبال ایران دیگر به کارلوس کی‌روش و تفکراتش نیاز ندارد. حالا وقت یک جریان نو است، یک تفکر مدرن و جهانی. دیگر نسخه پوسیده مرد ۶۹ ساله پرتغالی به کار فوتبال ما نمی‌آید. فوتبال ایران دیگر برای دفاع کردن و مساوی کردن به میدان نمی‌آید؛ بلکه می‌آید برای حمله کردن و خلق افتخاری جدید، عصری جدید و آرزوهای جدید.

FIFA WORLD CUP Qatar 2022



ما اگر قهرمانی می‌خواهیم باید تفکرات دفاعی را کنار بگذاریم. ۲۰ سال پیش تیم‌ها دفاعی بودن را دوست داشتند و حتی تیمی مثل یونان با همین وضعیت قهرمان جام ملت‌ها شد. اما فوتبال دنیا کلی فرق کرده است و این تفکرات دفاعی دیگر به درد نمی‌خورد.



ایران برای موفقیت در آینده می‌گوید

یگر جواب نمی‌دهد

من باید به مورد دیگری درباره دیدار با آمریکا اشاره کنم. ما بازیساز نداشتیم. یک لحظه وقتی دوربین روی بیرانوند رفت کی‌روش به او می‌گفت که توپ را به کناره‌ها بزنند. خوب این درست نیست. سبک بازی محتاطانه او قابل پذیرش نیست. استعدادهایی که در فوتبال ایران وجود دارد مثل برزیل است. ما ظرفیت پایینی نداریم و باید از آن استفاده کنیم. نوع نگاه به فوتبال ما غلط است و باید عوض شود. کی‌روش باید این وضعیت را تغییر بدهد. عملکرد فنی بازیکنان تیم ملی را چطور دیدید؟ این بهترین تیم ۵۰ سال اخیر بود. مهره‌های ارزشمند ما می‌توانستند صعود کنند. اگر فقط کمی هجومی‌تر بودیم می‌توانستیم. اکثر بچه‌های ما با تمام وجود بازی کردند. به طور کلی خوب بودند. اما ما به تفکرات تاکتیکی باختمیم. امیدوارم وضعیت برای آینده تغییر کند.

برای دوره بعد؟ اینها برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلند می‌خواهد. یک مربی می‌خواهیم که اینها را اجرا کند. با فوتبال دفاعی به هیچ جا نمی‌شود رسید. شاید بتوان یکی، دو برد قابل توجه کسب کرد اما بعد از آن چه؟ باور کنید حتی قطر هم از تیم ما هجومی‌تر بود. باید از فوتبال کشورهایی مثل قطر و ژاپن الگو بگیریم. پس نظر نهایی شما این است که فوتبال ملی ما باید کلا تفکرات دفاعی را دور بریزد؟ بله، ما باید جام ملت‌ها را در نظر بگیریم. ما اگر قهرمانی می‌خواهیم باید تفکرات دفاعی را کنار بگذاریم. ۲۰ سال پیش تیم‌ها دفاعی بودن را دوست داشتند و حتی تیمی مثل یونان با همین وضعیت قهرمان جام ملت‌ها شد. اما فوتبال دنیا کلی فرق کرده است و این تفکرات دفاعی دیگر به درد نمی‌خورد.

الان واضح‌ترین مثال برای چیزی که شما گفتید چیست؟ برزیل. آنها یک تیم هجومی هستند. ساختار و برنامه این فدراسیون به گونه‌ای است که تیم ملی این کشور فقط باید هجومی باشد. برنامه با همین شرایط به مربی داده شود و مربی هم موظف به پیاده کردن آن است. نه این‌که مربی بیاید برای فدراسیون فوتبال برزیل تعیین تکلیف کند. الان هواداران ما فوتبال هجومی را دوست دارند. قهرمانی آسیا را می‌خواهند. فدراسیون باید بر اساس همین برنامه بنویسد و مربی بر اساس همین باید برنامه ریزی کند. نه این‌که شیوه‌های دفاعی بنویسد و به فدراسیون بدهد. البته ما باید تکلیف چیزهای دیگری را هم بدانیم. مثلاً چه چیزهای دیگری؟ باید متوجه شویم ما چه چیزی می‌خواهیم؟ قهرمانی در جام ملت‌ها یا صعود از مرحله گروهی جام جهانی